|  |
| --- |
| In the name of Allah |
| رفع شبهات معراج حضرت محمد (ص) |
| Dispel the doubts of the Ascension of the Prophet Mohammad |

|  |
| --- |
| استاد: سرکار خانم بهمنی طلبه: معصومه ورمزیار  5/13/2016 |

فهرست مطالب

مقدمه ------------------------------------------------------------------------1

تعریف لغوی و اصطلاحی معراج------------------------------------------------------2

معراج در پرتو آیات و روایات-------------------------------------------------------3

شبهات معراج-------------------------------------------------------------------4

انکار منکرین ------------------------------------------------------------------ 4

سرعت سیر --------------------------------------------------------------------5

معراج در خواب بوده یا در بیداری --------------------------------------------------- 6

عایشه ----------------------------------------------------------------------- 6

اختلاف در بین روایات معراج ------------------------------------------------------ 6

معراج و علوم روز---------------------------------------------------------------7

نتیجه گیری -------------------------------------------------------------------9

منابع -----------------------------------------------------------------------10

مقدمه

معراج پیامبر که در مکه روی داد مسأله ای اعتقادی و کلامی است ،نه علمی و فقهی. برای معراج دو مقطع از سیر بود یکی سیر زمینی که از مسجدالحرام تا بیت المقدس بود و دیگری سیر از مسجدالاقصی به سدرة المنتهی. آنچه مربوط به سیر زمینی است در سوره ی اسراء و آنچه مربوط به سیر آسمانی است در سوره ی نجم بیان شده.معراج در شب و از مسجد روی می دهد. زیرا عبودیت انسان در مکان های مقدس و در سحرها جلوه ی بیشتری دارد.پیامبر با مجموع جسم و روح و در بیداری عروج می کنند. خود مسأله ی معراج در قرآن ذکر شده ولی مشاهدات پیامبر از طریق روایات به دست ما رسیده.

**تعريف لغوي و اصطلاحي معراج**

معراج از ریشه «عرج» به معناي چيزي مانند نردبان يا درجه اي كه ارواح هنگامي كه قبض روح مي شوند از آن بالا مي روند. (فراهيدي، 1409 ، ج 1، ص 231) راغب معراج و عروج را به معناي رفتن در بالا معني كرده است. (راغب اصفهانی،ص 1412، ص 557 ) معراج در اصطلاح به بردن رسول (ص) از بیت المقدس به سوی آسمان و رویت آیت کبری (فکان قاب قوسین ) گفته می شود.(ابرقوهی،1366،ص44 )

**معراج در پرتو آیات و روایات**

معراج پیامبر(ص) ضمن آیات 1 سوره اسراء ، 45 سوره زخرف و آیات 1 تا 18 سوره نجم بیان شده است. و روایات نیز آن را تأیید می کنند.

« نخست مى‏گويد: «منزّه است آن خداوندى كه بنده‏اش را در يك شب از مسجد الحرام به مسجد اقصى- كه گردا گردش را پربركت ساخته‏ايم- برد» (سُبْحانَ الَّذِي أَسْرى‏ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بارَكْنا حَوْلَهُ).اين سير شبانه خارق العاده «به خاطر آن بود كه بخشى از آيات عظمت خود را به او نشان دهيم» (لِنُرِيَهُ مِنْ آياتِنا). پيامبر صلّى اللّه عليه و آله گرچه عظمت خدا را شناخته بود، اما سير در آسمانها به روح پرعظمت او در پرتو مشاهده آن آيات بيّنات عظمت بيشترى داد تا آمادگى فزونترى براى هدايت انسانها پيدا كند.و در پايان اضافه مى‏كند: «خداوند شنوا و بيناست» «إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ).

اشاره به اين كه اگر خداوند پيامبرش را براى اين افتخار برگزيد بى‏دليل نبود، زيرا او گفتار و كردارى آنچنان پاك و شايسته داشت كه اين لباس بر قامتش كاملا زيبا بود، خداوند گفتار پيامبرش را شنيده و كردار او را ديده و لياقتش را براى اين مقام پذيرفته بود . » (برگزیده تفسیرنمونه ، احمدعلی بابایی)

به طور اجمال واقعه معراج به این قرار است: در یکی از شب ها که رسول خدا (ص) در ابطح بود، جبرئیل براق را آورد و آن حضرت سوار شد، جبرئیل رکاب او را گرفته به سرعت آن بزرگوار را به سوی بیت المقدس و از آنجا به سوی آسمان برد. ملائکه با آن برگزیده خدا ملاقات نمودند و بر او سلام کردند و در جلوی پیغمبر(ص) پرواز کردند تا به آسمان هفتم منتهی شدند. روایت شده که انبیاء برانگیخته شدند و به سوی حضرت محمد(ص) بالا رفتند تا در موضعی که آن بزرگوار بود رسیدند، برای نماز به حضرت محمد(ص) اقتداء کردند.آنگاه خدا به رسول مکرّم وحی کرد: از انبیاء سوال کن! ایشان متوجه انبیاء شدند و فرمودند:شما به چه چیزی شهادت می دهید؟ گفتند ما شهادت می دهیم که خدایی غیر از خدای یگانه وجود ندارد و تو رسول الله هستی، علی (ع) پسرعمو و جانشین تو و امیرالمومنین است(یونس،94).

در روایات دیگر است که رسول خدا (ص) گفت: پروردگارا من شک ندارم و سوال هم نمی نمایم. روایت شده که رسول خدا را بالا بردند تا به آسمان هفتم رسید و آن حضرت به قدر دو کمان یا کمتر خدای خود نزدیک شد، پرده ها از جلوی رسول خدا برطرف گردید، آن حضرت مشغول راه رفتن شد.پس از آن ندایی به گوش مبارکش رسید: یامحمد تو در مکانی راه می روی که بشری قبل از تو راه نرفته است. خدای سبحان با رسول خود تکلم کرد. (مسعودی، 1362، صص 215-217 )

از [امام رضا](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B1%D8%B6%D8%A7) (ع) [نقل](http://wikifeqh.ir/%D9%86%D9%82%D9%84) است: «هر کس معراج را [دروغ](http://wikifeqh.ir/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%BA) پندارد، [رسول خدا](http://wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) (ص) را [انکار](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%DA%A9%D8%A7%D8%B1) کرده است.» ([صفات الشّیعه، ص۵۰](http://lib.eshia.ir/15197/1/50/%D9%81%D8%B6%D8%A7%D9%84))

و [امام صادق](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82) (ع) فرموده است: «از ما نیست هر کس سه چیز را انکار کند: معراج و [سؤال](http://wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%A4%D8%A7%D9%84) و جواب [قبر](http://wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A8%D8%B1) و [شفاعت](http://wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%81%D8%A7%D8%B9%D8%AA)». ([بحارالانوار، ج۱۸،](http://lib.eshia.ir/11008/18/340/%D8%A3%D9%86%D9%83%D8%B1) ص 340)

یک نفر به امام هفتم عرض کرد.

آیا خدا متصف به مکان می گردد؟

امام فرمودند: نه همه جا برایش یکسان است.

عرض کرد: پس چرا جدت رسول خدا را به آسمان ها برد؟

حضرت فرمودند:چون فرشته های آن عوالم آرزوی دیدن او را داشتند. ملائکه مشتاق دیدن او بودند. رفت تا اهل آسمان ها هم از وجودش لذت ببرند.دیگرآنکه او را برد تا عجائب عالم ملکوت را ببیند و بیاید به اهل دنیا خبر دهد. (تاریخ اسلام، شیوایی مهدی،ص 163 )

**شبهات معراج**

مسئله ی معراج همیشه سوال برانگیز و دارای شبهه بوده و این از زمان برگشتن پیامبر(ص) از معراج شروع می شود و از همان موقع پیامبر به رفع شبهه پرداختن و بعد از آن نیز امامان به این امر همت گماشتند .حتی در آن موقع خداوند با فرستادن آیات اسراء سعی در اثبات و رفع شبهه از معراج پرداختند. ولی همیشه و در تمام اعصار مخالفین بهانه جو با ایراد از این ماجرا سعی در کتمان کردن این واقعه ی عظیم داشتند زیرا پذیرفتن معراج یعنی پذیرفتن نبوت حضرت محمد(ص)، و این با موضع آنان منافات دارد. تمام شبهات معراج با تعداد دفعات معراج و قدرت خداوند حل می شوند.

حال در زیر به چند تا از آنان می پردازیم که عبارتند از :

-انکارمنکرین

-سرعت سیر

-معراج درخواب بوده یا بیداری

-عایشه

-اختلاف در بین روایات معراج

-معراج و علوم روز

**انکارمنکرین**

در [روایات](http://wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%AA" \o "روایت) آمده است که پیامبر (صلی الله و علیه و اله) ماجرای معراج را برای [قریش](http://wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B1%DB%8C%D8%B4)- [اهل مکه](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%87%D9%84_%D9%85%DA%A9%D9%87)- باز می‏گوید و آنان انکار می‏کنند و بدین روی، پیامبر (صلی الله و علیه و اله) شمار [ستون‌های مسجد الاقصی](http://wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%AA%D9%88%D9%86%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF_%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%82%D8%B5%DB%8C) را می‏گوید تا نشانه‏ای بر [صداقت](http://wikifeqh.ir/%D8%B5%D8%AF%D8%A7%D9%82%D8%AA) او باشد و نیز از آنچه در راه دیده است و کاروان‏هایی که در راه بوده‏اند، [سخن](http://wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%AE%D9%86) می‏گوید.

«وقتی پیامبر از این سفرشبانه بازگشتند و آن را برای مردم بازگو کردند، قریش در رابطه با مرحله اول این عروج که برایشان ملموس تر بود (سفراز مسجدالحرام به مسجدالاقصی) به پیامبر(ص) گفتند: اگر راست می گویی، بگو در این سفر چه چیزهایی دیده ای ؟ رسول الله فرموند:به کاروان فلان قبیله برخوردم و دیدم که شتری گم کرده دنبالش می گشتند و در کاروانشان ظرف بزرگی از آب بود، از آن نوشیدم و روی ظرف را پوشاندم، شما میتوانید از ایشان بپرسید که آیا آب را در قدح دیدند یا نه. قریش گفتند: این یک نشانه، سپس فرمود به کاروان فلان قبیله برخوردم و دیدم که شتر فلانی فرار کرده و دستش شکسته بود، شما از ایشان بپرسید.

گفتند این دو نشانه ،آن گاه پرسیدند از کاروان ما چه خبر داری؟ فرمود کاروان شما را در تنعیم دیدم، آنگاه از جزئیات بارها و وضع کاروان برای آنان مطالبی گفت و فرمود: پیشاپیش کاروان شتری خاکستری رنگ در حرکت بود که دو فزاره بر دوش داشت در موقع طلوع خورشید پیدایشان می شود گفتند این هم نشانه ای دیگر.» (طباطبایی، 1417،ج13 ،ص28 )

«منکرین گفتند خیلی خب حالا بگو ببینیم مسجد الاقصی چند ستون و چند قندیل داشت؟ درهمین وقت خدای تعالی برای آنکه حجت را تمام کند به جبرئیل دستور داد تا مسجدالاقصی را در همان حال به رسول الله نشان دهد و جبرئیل هم آن را جلوی حضرت دفیله داد و حضرت ستون ها و قندیل ها را شمرد و تعداد آن ها را فرمود.ولی منظور آن ها بهانه گیری بود». (معراج، آیت ا... دستغیب، ص 77 )

گروهی به سخنان حضرت ایمان آوردند و گروهی آن را رد کردند.درحالی که معراج پیامبر (ص) مسأله ی جدیدی نبود که آن را انکار کنند و پیامبران قبلی نیز معراج داشتند و از طرفی خود قرآن به صراحت بیان می کند: « و ما یَنطِقُ عَنِ الهوی» یعنی پیامبر از روی هوا و هوس سخن نمی گوید.(طبرسی،1372 ، ج9 ،ص262 ) این بیان قرآن صحت سخن پیامبر (ص) را تأیید می کند و جای هیچ شک و شبهه ای به مسأله معراج باقی نمی گذارد.

**سرعت سیر**  سیراز مسجدالحرام تا بیت المقدس و نیز در آسمان ها و کهکشان های مادی کاملاً ممکن خواهد بود. زیرا حرکت بدن در قلمرو جسم زمینی یا آسمانی هیچ محذوری ندارد.نه اصل حرکت بدن در اجرام آسمانی محال است و نه سرعت آن که در مدت بسیار کوتاه همه ی آن اجرام مورد سیر بدنی قرار می گیرد.وسیر آسمانی مانند سیر زمینی محذوری عقلی ندارد زیرا نه کندی شرط سیر طبیعی است و نه تندی مانع آن می باشدوهمانطور که حمل تخت عظیم ملکه سبأ از یمن به فلسطین در کمتر از چشم برگردان میسور بود.طبق آیه ی 40 سوره نمل.

فرضیه حداکثر سرعت ، امروز درمیان دانشمندان متزلزل شده. هرچند اینشتاین» در فرضیه معروف خودش به آن سخت معتقد بوده است. دانشمندان امروز می گویند امواج جاذبه بدون نیاز به زمان در آن واحد از یک سوی جهان به سوی دیگر منتقل می شود و اثر می گذارد و حتی این احتمال وجود دارد که در حرکات مربوط به گستردگی جهان (می دانیم جهان در حال توسعه است و ستاره ها و منظومه ها به سرعت از هم دور می شوند) منظومه هایی وجود دارند که با سرعتی بیش از سرعت سیر نور از مرکز جهان دور می شوند.

پس سیر بدنی رسول گرامی در مدار وسیع آسمانها نیز مقدور خواهد بود.

**معراج در خواب بوده یا دربیداری**

رسول اکرم همچون دیگران دارای جسم و روح بوده و با این دو عروج کرده است.طبق آیه ی یک سوره اسراء خداوند نفرموده«بروحه». عبد همان مجموعه ی جسم و روح است.ظاهر این است که عروج در بیداری صورت گرفته است نه در خواب.به تعبیر استاد علامه طباطبایی فخر این نیست که انسان عروج را خواب ببیند این خواب را دیگران نیز می بینند تا صادق و کاذبش چه باشد. خدای سبحان از معراج با عظمت یاد می کند و با این وقوع معراج در خواب سازگار نیست.

قرآن کریم در آیه ی 43 انفال به مشاهداتی که در خواب بوده تصریح می کند؛ ما دشمنان را در خواب به تو اندک نشان دادیم یا می فرماید: ما در خواب به تو نشان دادیم که وارد مکه می شوی و فتح نهایی نصیبت خواهد شد. ولی آیه ی اسراء ظهور قوی دارد که معراج در بیداری صورت گرفته است.

**عایشه**

**عایشه نقل می کند که «ما فقد جسد رسول الله ولکن اسری بروحه؛ جسد پیغمبر(ص) در شب معراج منتقل نشد ولی روح ایشان به معراج رفت» (**مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۴)

گزارش عایشه از معراج از دوجنه ی تاریخی و تفسیری قابل رد می باشد. اشکال تاریخی این است که او بعد از هجرت و در مدینه همسر پیامبر شد و معراجی که آیات سوره «اسراء» و «نجم» در مورد آن نازل شده در مکه و قبل از هجرت بوده است. گرچه ممکن است در مدینه هم معراج هایی اتفاق افتاده باشد.

و اشکال تفسیری اینکه اتفاق چنین سیر عظیمی در خواب هم با ظاهر قرآن ناسازگار است و هم با روایات فراوان دیگر.

پس معراج در خواب نبوده بلکه در بیداری بوده ، در مکه بوده نه در مدینه، جسمانی و روحانی بوده نه خصوص روحانی.

**اختلاف دربین روایات معراج**

چون معراج های متعددی برای رسول اکرم حاصل شد و محتمل است همه آنها یکسان نبوده باشد، از این رو اگر اختلافی در بین روایات و نیز تفاوتی در ظواهر بعضی از آیات و یا اختلافی در کلمات مفسران قرآن و روایات رخ دهد، درصورتی که آن اختلاف ها و تفاوت ها با تعدد عروج قابل جمع باشد می توان همه ی آنها را با تعدد معراج برطرف کرد.

بنابراین اختلاف در این که آیا معراج جسمانی و روحانی بود یا خصوص روحانی و نیز از لحاظ مَرکب که اوصاف فراوانی برای آن یاد شد، همه را می توان با تعدد معراج حل کرد.یعنی ممکن است برخی از معراج ها با بدن و روح بوده باشد و برخی از آن ها فقط با روح، چنان که ممکن است بعضی با مرکب و برخی بدون آن و درصورتی که با مرکب بوده است، گاهی آن مرکب، بُراق و زمانی معراج و وقتی رَفرَف و گاهی پَر فرشتگان و گاهی پر جبرئیل و... بوده است.

چنانکه متصور است در یک سفر نیز همه ی این مرکب ها بوده اند، لیکن در مقاطع و مراحل و درجات گوناگونِ راه از خاک تا لقاء الله ،در هر مرحله یکی از این مرکب ها وجود داشته تا به جایی که مجال برای آن نبوده است.

**معراج و علوم روز**

در گذشته برخی از فلاسفه که معتقد به افلاک نه گانه بطلمیوسی پوست پیازی بودند، مانع مهم معراج را از نظر علمی وجود همین افلاک و لزوم خرق و التیام در آنها می پنداشتند.ولی با فرو ریختن پایه های هیئت بطلمیوسی مسأله خرق بدست فراموشی سپرده شد،اما با پیشرفتی که در هیئت جدید به وجود آمد مسائل تازه ای در زمینه معراج مطرح شده و سوالاتی از این قبیل:

1.برای اقدام به یک سفر فضایی نخستین مانع نیروی جاذبه است که باید با وسائل فوق العاده بر آن پیروز شد، زیرا برای فرار از «حوزه جاذبه زمین» سرعتی لااقل معادل چهل هزار کیلومتر بر ساعت لازم است.

2.مانع دیگر، فقدان هوا در فضای بیرون جو زمین است که بدون آن انسان نمی تواند زندگی کند.

3.مانع سوم گرمای سوزان آفتاب و سرمای کشنده ای است که در قسمتی که آفتاب مستقیما می تابد و قسمتی که نمی تابد وجود دارد.

4.مانع چهارم اشعه های خطرناکی است که در ماوراء جو وجود دارد، مانند اشعه کیهانی و اشعه ماوراء بنفش و اشعه ایکس، این پرتوها هرگاه به مقدار کم به بدن انسان بتابد زیانی بر ارگانیسم بدن او ندارد، ولی در بیرون جو زمین این پرتوها فوق العاده زیاد است و کشنده و مرگبار، اما برای ما ساکنان زمین وجود قشر هوای جو مانع از تابش آن هاست.

5.مشکل بی وزنی است، گرچه انسان تدریجاً می تواند به بی وزنی عادت کند ولی برای ما ساکنان روی زمین اگر بی مقدمه به بیرون جو منتقل شویم و حالت بی وزنی دست دهد، تحمل آن بسیار مشکل یا غیر ممکن است.

6.و سرانجام مشکل زمان ششمین مشکل و از مهمترین موانع است، چرا که علوم روز می گوید سرعتی بالاتر از سرعت سیر نیست و اگر کسی بخواهد در سراسر آسمان ها سیر کند باید سرعتی بیش از سرعت سیر نور داشته باشد.

در برابر این سوالات توجه به چند نکته لازم است:

1.ما می دانیم که با آن همه مشکلاتی که در سفر فضایی است بالاخره انسان توانسته است با نیروی علم بر آن پیروز گردد، و غیر از مشکل زمان همه مشکلات حل شده و مشکل زمان هم مربوط به سفر به مناطق دور دست است.

2.بدون شک مسأله معراج، جنبه ی عادی نداشته بلکه با استفاده از نیرو و قدرت بی پایان خداوند صورت گرفته است، و همه معجزات انبیاء همین گونه است، به عبارت روشن تر معجزه باید عقلا محال نباشد، و همین اندازه که عقلا امکان پذیر بود بقیه با استمداد از قدرت خداوند حل شدنی است.

هنگامی که بشر با پیشرفت علم توانایی پیدا کند که وسائلی بسازد سریع، آن چنان سریع که از حوزه جاذبه زمین بیرون رود، سفینه هایی بسازد که مسأله ی اشعه های مرگبار بیرون جو را حل کند، لباس هایی بپوشد که او را در برابر سرما و گرمای فوق العاده حفظ نماید، با تمرین به بی وزنی عادت نماید، خلاصه جایی که انسان بتواند با استفاده از نیروی محدودش، این راه را طی کند آیا با استمداد از نیروی نامحدود الهی حل شدنی نیست؟!

پس خداوند متعال کاری را بیهوده و عبث انجام نمی دهد و معراج نیز به فرمان ایشان اجمام شده تا هم عزت و شرافت آن حضرت برای همگان اثبات گردد و هم اسرار مشارق و مغارب را به ایشان آموخته تا در راستای رسالت جهانی و ابدی خود از آن بهره گیرد .معراج رفتن رسول اکرم (ص) از جمله قضایایی است که محققاً واقع شده و از مسلمات قرآن و روایات اسلامی است و جای شبهه برای کسی باقی نمانده است.خاصه در این زمان که قرن قمر مصنوعی و موشک و فضا پیمائی است که راه را برای ثبوت معجزات پیغمبران و معراج پیغمبر اسلام باز نموده و هموار ساخته است.گروهی نیز منکر اعجاز آن شده و آن را یکی از کرامات ایشان تلقی کرده اند، اما با توجه به اینکه علوم روز معراج جسمانی را ممکن می شمارد و بسیار شگفت انگیز و خارق العاده است که فردی در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و سپس به آسمان ها عروج کرده و مجدداً در همان شب بازگردد.

**نتیجه گیری**

معراج پيامبر اكرم(ص) يكي از پيچيده ترين شئون نبوت وي است. گرچه گروهي منكر معراج شدند و يا شبهاتي در رابطه با معراج روحاني و ...وارد نموده اند، اما با استناد به آيات و روايات مربوطه، اصل وقوع معراج و جسماني بودن آن روشن مي گردد.

گروهي نيز منكر اعجاز آن شده و آن را يكي از كرامات ايشان تلقي كرده اند، اما با توجه به اينكه علوم روز معراج جسماني را ممكن مي شمارد. بسيار شگفت انگيز و خارق العاده است كه فردي در يك شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصي رود. و سپس به آسمانها عروج كرده و مجدداً در همان شب بازگردد. و هيچ كس جز به فرمان خداوند متعال قادر به انجام چنين كاري نيست، و پيامبر اكرم (ص) با اين عمل، حجت را بر مردم تمام كرده، پس معراج معجزه مي باشد.

منابع

1.معراج تفسیرسوره نجم ، مجاهدشهید آیت ا... سیدعبدالحسین دستغیب شیرازی ، چاپ چهارم

2.تفسیر موضوعی قرآن کریم جامعه در قرآن ، آیة الله جوادی آملی ، دوم، 1388

3.قرآن

4. تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام(ص)) ، پیشوایی مهدی،چاپ هجدهم، 1391

5.مقاله بررسی جنبه ی اعجاز معراج پیامبر اکرم (ص) ، معصومه نقی لو و حسین افسردیر ، اولین کنگره ی بین المللی فرهنگ و اندیشه ی دینی

6. نرم افزار جامع تفاسیر نور

7. برگزیده تفسیرنمونه ، بابایی احمد علی ، 1382